

نداشتیم. البته اغلب رؤسای جمهور در سال‌های آخر ماه‌های پایانی آفت دارند، ولی نه این میزان آفت. من دست‌کم نزدیک به بیش از دو دهه در جاهای مختلف در کار افکارسنجی بوده‌ام و با عدد و رقم صحبت می‌کنم، تحلیل‌م استنباط ابتدایی نیست و استنادات تفصیلی دارد؛ پس سرمایه اجتماعی دولت مستقر و نظام به صورت کلی آسیب دیده بود. مخصوصاً بعد از قضایای سال ۱۳۹۸ وفاقی روی شخص آقای رئیسی صورت گرفته بود. از آنجاکه چند سال اخیر با ایشان کار می‌کردیم، واقعاً همه‌مان دوست داشتیم وضعیت طوری شود که آقای رئیسی مجبور نشود از جایگاه نظارتی و ریاست قوه قضائیه به جایگاه اجرایی بیاید. می‌دانستیم فضای کشور این قدر به هم ریخته است که آمدن ایشان شجاعت و نوعی از خودگذشتگی می‌خواهد که محبوبیت اجتماعی‌اش را در معرض کار اجرایی سنگین کاهنده قرار دهد. وقتی آن مجموعه شرایط را جمع‌بندی می‌کنیم، در سال ۱۴۰۰ به این نتایج می‌رسیم: اول اینکه فضای اجتماعی کشور به شدت شکننده بود؛ دوم اینکه دشمن در پی برگزاری یک انتخابات با مشارکت حداقلی بود. عدم حضور آقای رئیسی، با آن محبوبیت بالایی که داشت، قطعاً سناریوی دشمن را جلو می‌برد. اگر او نبود و انتخابات بدون او برگزار می‌شد قطعاً دشمن به هدف خودش می‌رسید و دیگر اینکه مردم در آن موقعیت به هیچ وجه به چهره‌ای غیر از آقای رئیسی اعتماد نداشتند. در سال ۱۳۹۶ در طیفی از جبهه انقلاب این اجماع به تدریج شکل گرفت، بالآمد و همه جبهه را دربرگرفت که این را در سال ۱۳۹۸ با عنوان «روایت انتخاب دوازدهم» در مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ کردیم. در سال ۱۴۰۰ یک اجماع ملی پشت سر حضور آقای رئیسی بود که شما نشانه‌های آن را می‌دیدید؛ به عنوان مثال، ۲۵ خرداد ۱۴۰۰، یعنی سه روز مانده به انتخابات، چهره‌های شاخص روزنامه‌نگاری جریان اصلاح طلب با آقای رئیسی دیدار کردند. ادبیات آقای رئیسی ادبیات جناحی نبود. روزی که برای ثبت نام آمد، گفت: من به هیچ جناح سیاسی وفادار نیستم، عضو هیچ جناح سیاسی نیستم، به هیچ جناحی تعهد ندارم و تعهدم به مردم ایران است. این‌ها خیلی روشن بود؛ یعنی کاملاً داشت خودش را ارائه می‌داد که من آدمی بدون وابستگی حزبی سیاسی هستم. سابقه چهار ساله ایشان هم همین را اثبات می‌کرد. این‌ها همه مقدمه‌ای برای جبر حضور آقای رئیسی شد. شبی که بیانیه حضور حاج آقای رئیسی در انتخابات را تنظیم می‌کردیم، شاید نزدیک به ۲۴ ساعت با یکی دو نفر از دوستان و در هماهنگی با خودش روی متن کار می‌کردیم که به نظرم بیانیه مهمی است. شاید تا حدود ساعت سه صبح آن را آماده می‌کردیم و او آن را تأیید کرد. خودش هم پای کار بود و با دقت خط به خط آن را می‌خواند. تقریباً ساعت سه بود که ویرایش آخرین بیانیه را آماده کردیم برای اینکه بشود همزمان با حضورش در وزارت کشور منتشر شود. در آنجا الزاماتی را که آقای رئیسی براساس آن وارد صحنه انتخابات شد، آوردیم. اگر آقای رئیسی عافیت طلبی می‌کرد و وارد صحنه انتخابات نمی‌شد، قطعاً روزهای بسیار دشواری در جمهوری اسلامی پیش رو بود. آمدن آقای رئیسی راه حل مسئله مشارکت، مشارکت ۵۰ درصدی، در اوضاع کرونایی بود. زمانی که تعداد کشته‌های کرونا به ۷۰۰ نفر در روز رسیده بود و اساساً بخش عمده‌ای از مردم کارهای عادی‌شان تعطیل بود، مگر کسی که کار ضروری داشت، نماز جمعه در تهران تشکیل نمی‌شد و اجتماعات بزرگ به شدت نهمی می‌شد. شما فکر کنید انتخابات با آن صف‌های طولانی در تهران باید در چنین شرایطی برگزار شود. همزمان چهار انتخابات در حال برگزاری بود؛ یعنی شما علاوه بر یک رأی برای انتخاب رئیس جمهور، باید نامزدهای مجلس خبرگان، نامزدهای نمایندگی مجلس، و نامزدهای نمایندگی شوهرها را انتخاب می‌کردید و ایستادن در صف رأی زمان می‌برد که با وجود کرونا برای مردم نگرانی‌های به بار می‌آورد. طبیعی بود که مشارکت در انتخابات مقداری تحت تأثیر این اوضاع، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد، در کشور پایین آمده بود.